

DOI: 10.30495/jss.2023.1978821.1538

Research Paper

Analysis of Geopolitical Obstacles in Relations between the Islamic Republic of Iran and Saudi Arabia from the Perspective of Political Sociology

Mohammad Hamed Lamei

Ph. D. student of International Relations, Islamic Azad University, Tabriz branch, Tabriz, Iran.

Mohammad Yousefi Joybari

Assistant Professor, Department of Political Science and International Relations, Islamic Azad University, Tabriz branch, Tabriz, Iran (Corresponding Author). E-mail: yousefijoybari@iaut.ac.ir

Reza Khodaei Mahmoudi

Assistant Professor, Department of Management, Islamic Azad University, Marand Branch, Iran-Marand.

In recent years, relations between Iran and Saudi Arabia have become a scene of conflict in regional equations and order in Southwest Asia. The Islamic Republic of Iran and Saudi Arabia, as two long-standing rivals, have competed with each other in this region and the Islamic world due to the geostrategic and geoeconomics characteristics of the Persian Gulf region as well as their specific geopolitical and ideological conditions. The security, economic, commercial and cultural-social relations of both countries are strongly affected by the foreign policy of the two countries. Many contradictions between Iran and Saudi Arabia can be seen in the form of identity and geopolitical signs. The aim of the present research is the sociological analysis of geopolitic barriers that prevent the establishment of stable relations between the Islamic Republic of Iran and Saudi Arabia. The research method is documentary and analytical, and documentary sources have been used to explain the problem. The intensification and strengthening of the geopolitical crisis, the expansion of the conflict and the intra-regional competition in Southwest Asia are among the geopolitical obstacles that have prevented the formation of good relations between Iran and Saudi Arabia, and until the removal of these geopolitical obstacles, it cannot be expected stable relations between Iran and Saudi Arabia.

Conflict of interest:

ACCORDING TO THE AUTHORS, THE ARTICLE DID NOT HAVE ANY CONFLICT OF INTEREST.

Key words: *Iran, Saudi Arabia, Geopolitics, Foreign Policy, Middle East.*

تحلیل موانع ژئوپلیتیکی روابط جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی

از منظر جامعه‌شناسی سیاسی

محمد حامد لامعی^۱

محمد یوسفی جویباری^۲

رضا خدایی محمودی^۳

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۴۰۱/۱۲/۸

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۱۱/۸

چکیده

روابط ایران و عربستان سعودی طی سالیان اخیر به صحنه منازعه در معادلات و نظم منطقه‌ای در جنوب غرب آسیا مبدل شده است. جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی به عنوان دو رقیب دیرینه به خاطر ویژگی‌های ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک منطقه خلیج فارس و هم‌چنین شرایط خاص ژئو-پلیتیک و ایدئولوژیک خود، به رقابت همدیگر در این منطقه و نیز جهان اسلام پرداخته‌اند. روابط امنیتی، اقتصادی، تجاری و فرهنگی - اجتماعی هر دو کشور به شدت متأثر از سیاست خارجی دو کشور می‌باشد. بسیاری از تضادهای ایران و عربستان را می‌توان در قالب نشانه‌های هویتی و ژئوپلیتیکی مشاهده نمود. هدف تحقیق حاضر، تحلیل جامعه‌شناختی موانع ژئوپلیتیکی که مانع از ایجاد روابط پایدار و با ثبات میان جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی می‌شود، می‌باشد. روش تحقیق، اسنادی و تحلیلی بوده و از منابع اسنادی جهت تبیین مسأله بهره گرفته شده است. تشدید و تقویت بحران ژئوپلیتیکی، گسترش منازعه و نیز رقابت‌های درون منطقه‌ای در جنوب غرب آسیا از جمله موانع ژئوپلیتیکی می‌باشد که مانع شکل‌گیری روابط حسنه میان ایران و عربستان سعودی شده است و تا رفع این موانع ژئوپلیتیکی نمی‌توان انتظار روابط پایدار و باثباتی را بین ایران و عربستان داشت. واژگان کلیدی: ایران، عربستان، ژئوپلیتیک، سیاست خارجی، خاورمیانه.

۱. دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز - ایران.

۲. استادیار گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز - ایران. (نویسنده مسئول)

E-mail: yousefijouybari@iaut.ac.ir

۳. استادیار گروه مدیریت، واحد مرند، دانشگاه آزاد اسلامی، مرند - ایران.

مقدمه

جمهوری اسلامی ایران و عربستان دو کشور مهم و تأثیرگذار حوزه خلیج فارس و منطقه ژئو-استراتژیک خاورمیانه محسوب می‌شوند. این دو کشور با دارا بودن ذخایر عظیم هیدروکربنی و موقعیت استراتژیک در منطقه از اهمیت زیادی برخوردارند. از سوی دیگر تمرکز قدرت دو گروه اصلی مسلمانان یعنی شیعیان و اهل سنت در دو کشور ایران و عربستان ایران کشورها را به دو قطب فرهنگی، فکری و مذهبی در جهان اسلامی تبدیل کرده است (۲۲: ۳۱۶). روابط ایران و عربستان سعودی همواره از اهمیت خاصی برای سیاست‌گذاران و هم‌چنین پژوهشگران و صاحب‌نظران دو کشور برخوردار بوده است. اصولاً سیاست خارجی که امتداد و دنباله سیاست داخلی کشورهاست متفرع از اصول و اهداف بنیادینی است که برای تأمین منافع ملی کشورها طرح و پیگیری می‌شود و نخبگان در عرصه سیاست‌گذاری خارجی، پیگیری و تأمین این اهداف را سرلوحه فعالیت‌ها و تحرکات خود در عرصه سیاست خارجی قرار می‌دهند. سیاست خارجی ایران و عربستان مبتنی بر اهداف کلانی است که حیطة و نحوه کنش دو کشور در منطقه و خارج از آن را تعیین و تبیین می‌کند (۲: ۲). ایران و عربستان به خاطر ویژگی‌های ژئواستراتژیک و ژئو-اکونومیک منطقه خلیج فارس و هم‌چنین ویژگی‌های خاص ژئوپلیتیک و ایدئولوژیک خود، به رقیب اصلی همدیگر در منطقه خاورمیانه و نیز جهان اسلام تبدیل شده‌اند. از نظر سیاسی ایران رویکردی ضد آمریکایی در پیش گرفته است در حالی که عربستان از متحدان آمریکا در منطقه به شمار می‌رود؛ از نظر مذهبی ایران خود را پرچمدار تشیع معرفی می‌کند، در حالی که عربستان خود را مهد اسلام و پاسدار اماکن مقدس اسلامی می‌پندارد و در نتیجه برای خود نقش رهبری جهان اسلام، مبتنی بر مذهب تسنن قائل است (۴: ۱۶۸). روش تحقیق، روش اسنادی از نوع کتابخانه‌ای بود. داده‌های اسنادی پس از فیش-برداری و طبقه‌بندی بر اساس هدف تحقیق و سوال پژوهشی تحلیل شدند. هدف تحقیق حاضر، تحلیل جامعه‌شناختی موانع ژئوپلیتیکی که مانع از ایجاد روابط پایدار و با ثبات میان جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی می‌شود، می‌باشد. سوال اصلی تحقیق حاضر این است که کدام موانع ژئوپلیتیکی در ایجاد روابط پایدار و باثبات میان جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی مانع ایجاد می‌کنند؟

سیاسی خارجی و تصور ژئوپلیتیکی

هدف سیاسی خارجی دست‌یابی به اهداف ملی مورد تعقیب در نظام جهانی و ابزارهای نیل به آن‌ها است. سیاست خارجی کوشش آگاهانه دولت‌ها است تا از آن طریق با کسب، افزایش، حفظ و نمایش قدرت، منزلت خود را در گستره نظام جهانی ارتقاء دهند. از آن جا که تعقیب منافع و اهداف ملی در نظام جهانی متضمن ایجاد ارتباط و تعامل با دیگر کشورها است؛ سیاست خارجی تعیین‌کننده شیوه تعامل واحدهای سیاسی با همدیگر است. مفهوم قدرت و میل به افزایش آن خصیصه ذاتی هر نظام سیاسی است که دستگاه سیاست خارجی در بطن روابط خود با دیگر کشورها، این خصیصه را پیگیری می‌کند. بر

این اساس همپوشانی مفاهیم قدرت، روابط خارجی و واقعیت‌های جغرافیایی توجیه کننده اتخاذ استراتژی - های ژئوپلیتیکی در سیاست خارجی کشورهاست. روابط و کنش‌های سیاسی کشورها در عرصه جهانی تابعی از راهبرد و موقعیت ژئوپلیتیک دولت‌ها و نیز ساختار نظام‌های ژئوپلیتیکی است. در نتیجه همبستگی و هماهنگی بالایی میان ژئوپلیتیک و الگوی رفتار سیاست خارجی دولت‌ها برقرار است و بر اساس آن راهبردهای ژئوپلیتیکی طراحی و عملیاتی می‌شوند تا به ساختار روابط ژئوپلیتیکی جهت و معنا بخشد (۱۳: ۱۱۷).

تصور ژئوپلیتیکی ادراک و ذهنیتی اندیشه محور است که اشخاص، نهادها و بازیگران سیاسی از موقعیت، ویژگی‌ها و محتوای فضای جغرافیایی (اعم از خرد و کلان) دارند. دولت‌ها به عنوان بزرگ‌ترین بازیگران سیاسی خط‌مشی‌ها، سیاست‌ها و الگوهای رفتاری خود نسبت به یک فضا را بر اساس تصور ژئوپلیتیکی شکل می‌دهند. به طوری که عمل سیاسی یک کشور نسبت به کشور دیگر ناشی از تصور ژئوپلیتیکی آن می‌باشد (۱۰: ۵). شکل‌گیری تصورات ژئوپلیتیکی یک کشور را می‌توان در منابع رسمی و غیررسمی آن جستجو کرد. از مهم‌ترین منابع رسمی می‌توان به قانون اساسی و اسناد دولتی کشورها اشاره کرد که در آن استراتژی‌ها، برنامه‌ها، اهداف و ارزش‌های نظام‌های سیاسی بازتاب یافته است و از منابع غیر رسمی می‌توان به باورهای مردمی، منابع تاریخی، آرمان‌های سیاسی، فرهنگی، تمایلات نخبگان، رسانه‌های شنیداری و دیداری هم‌چون فیلم، مجله، موسیقی و هنر اشاره کرد (۶: ۱۵۰).

پیشینه تحقیق

خواجه سروی و یعقوب‌نیا (۱۴)، در مقاله‌ای با عنوان واکاوی نقش انقلاب اسلامی ایران در بازآرایی بیداری اسلامی در عربستان به بررسی ماهیت انقلاب اسلامی ایران و تأثیر آن بر خیزش‌های مردمی عربستان پرداخته است. به نظر آن‌ها پیروزی انقلاب اسلامی ایران عاملی بوده تا مردم کشورهای اسلامی با این ندا بر خیزند.

خضری و همکاران (۱۶)، در مقاله‌ای با عنوان ریشه‌یابی منازعات ایران و عربستان، به بررسی ماهیت منازعه منطقه‌ای ایران و عربستان پرداخته‌اند. به نظر آن‌ها هر گونه تلاش برای تقویت پایه‌های ایده تعامل و همکاری و کاهش تنش‌های موجود بین این دو کشور در صورتی مؤثر واقع خواهد شد که به ساختارهای معنایی دو دولت و الزامات این ساختار توجه شود.

کرمیان هابیلی و البرزی (۱۲)، در مقاله‌ای به نام جنگ رسانه‌ها: چالش الگوی اسلام سیاسی مبتنی بر تشیع ایران و الگوی مبتنی بر وهابیت عربستان در بحرین، به دنبال پاسخ به این پرسش بوده‌اند که بحران بحرین در سیاست خارجی این دو کشور چه نقشی دارد؟ و به این نتیجه رسیده‌اند که تلقی و بازنمایی جمهوری اسلامی ایران از تحولات بحرین به عنوان بیداری اسلامی و تأثیرپذیری از انقلاب

اسلامی و تلقی و بازنمایی عربستان از تحولات بحرین در قالب یک مسأله کاملاً عربی، تقابل دیدگاه این دو کشور در بحران بحرین را نشان می‌دهد.

موسوی و بخشی (۲۱)، در مقاله‌ای تحت عنوان تأثیر مسائل ایدئولوژیک بر سیاست خارجی عربستان در قبال ایران از سال ۲۰۰۳ به بعد، به این نتیجه رسیده‌اند که مسائلی چون مذهب سنی و وهابیت، رهبری جهان اسلام و نوع روابط این کشور با غرب سبب تقابل ایدئولوژیک با ایران و اتخاذ سیاست‌های خصمانه نسبت به مواضع ایران شده است.

آدمی و همکاران (۱)، در مقاله‌ای به نام تحولات انقلابی بحرین و تعارضات مذهبی و ژئوپلیتیکی ایران و عربستان سعودی به بررسی ریشه‌های تعارضات مذهبی و ایدئولوژیکی ایران و عربستان در رابطه با بحرین پرداخته‌اند و عقیده داشته‌اند که این تعارضات قبل از انقلاب اسلامی ایران شروع و با تحولات انقلابی بحرین به اوج خود رسیده که هم‌چنان در جریان می‌باشد.

خاتمی و شکیبایی (۱۵)، در مقاله‌ای تحت عنوان تحلیل نظریه بازی تکاملی ایران و عربستان در چارچوب الگوریتم ژنتیک سعی در شبیه‌سازی رقابت بین ایران و عربستان در ائتلاف اوپک نفتی پرداخته و مدل جدیدی از جستجوی استراتژی‌های بهینه در بازی معمای زندانی تکراری با استفاده از الگوریتم ژنتیک را به کار برده است.

داوند و سلطانی‌نژاد (۷)، در مقاله‌ای با عنوان امنیتی‌سازی تنش سایبری جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی؛ تهدیدها و الزامات راهبردی به این نتیجه رسیده‌اند که معضل امنیتی کردن گفتمان سایبری باید یکی از الزامات راهبردی ایران در سال‌های آتی باشد.

از نظر شفیی و قنبری (۲۹)، تبیین روابط ایران و عربستان در چارچوب مفهومی جنگ سرد، به این نتیجه رسیده‌اند که رقابت‌های منطقه‌ای عربستان و ایران و تلاش آن دو برای برقراری تعادل و توازن استراتژیک در منطقه عملاً آن‌ها را در قالب یک رقابت از نوع جنگ سرد قرار داده است.

سیفی و پورحسن (۲۸)، در مقاله‌ای با عنوان موازنه همه‌جانبه و ائتلاف‌سازی عربستان سعودی در قبال جمهوری اسلامی ایران، به نقش‌آفرینی عربستان در موازنه‌سازی در منطقه خاورمیانه علیه جمهوری اسلامی پرداخته‌اند. آن‌ها بر این باور بودند که ریشه واقعی ائتلاف‌سازی‌های عربستان از شکل‌گیری شورای همکاری خلیج فارس تا ائتلاف حمایت از عملیات طوفان قاطعیت علیه جنبش انصارالله یمن در سال ۲۰۱۵ علیه جمهوری اسلامی، موازنه همه‌جانبه است که منشأ آن به بحران‌های داخلی این کشور بر می‌گردد.

ملک محمدی و مدنی (۱۹)، در مقاله‌ای با عنوان فرهنگ حاکم بر تعاملات ایران و عربستان از منظر تحلیل سازه‌انگارانه، به دنبال بررسی روابط دو کشور با نگاه سازه‌انگارانه بوده‌اند.

صادقی و همکاران (۲۶)، در مقاله‌ای تحت عنوان تحلیل روابط ایران و عربستان سعودی از منظر نظریه واقع‌گرایی انگیزشی، روابط ایران و عربستان را از آغاز روی کار آمدن احمدی‌نژاد تا دوران روحانی مورد تجزیه و تحلیل قرار داده‌اند.

شهرام‌نیا و ویسی (۳۰)، در مقاله‌ای با عنوان بررسی تقابلات منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی در سوریه، در چارچوب رهیافت تلفیقی سازه‌نگاری-واقع‌گرایی به بررسی بحران سوریه پرداخته‌اند. یافته‌های آن‌ها نشان می‌دهد که نوع بازی ایران و عربستان در سوریه و همچنین در کل منطقه ناشی از پندارهای متناقض هر دو گفتمان از یکدیگر است.

شورمیچ (۳۲)، در مقاله‌ای با عنوان تأثیر انقلاب اسلامی بر مناسبات عربستان با ایران در دهه نخست نظام جمهوری اسلامی، به این نتیجه رسیده است که دولت عربستان برای جلوگیری از بازتاب انقلاب اسلامی در جامعه خود، سیاست اصلاح و سازگاری را در پیش گرفته است ولی به دلیل تضاد با تشیع، همواره سیاست تقابل با دولت انقلابی شیعه را اعمال کرده است.

ساختار قدرت سیاسی در عربستان سعودی

از زمان تأسیس حکومت در عربستان سعودی در سال ۱۹۳۲ میلادی که بر مبنای اتحاد مذهبی و سیاسی تشکیل شده است، این حکومت از اقتدارگراترین و محافظه‌کارترین حکومت‌های سلطنتی در خاورمیانه محسوب می‌شود (۱۱). اساس نظام سیاسی عربستان بر پایه پدرسالاری سیاسی و مذهبی استوار بوده است. اتحاد و پیوندهای مذهبی و سیاسی میان خاندان آل‌سعود و علما و آموزه وهابیت، پیوندهای دوسویه بین این خاندان و سران قبایل، سرکوب سیاسی، تقویت نهادهای مدنی سنتی هم‌چون نهاد بازار، روحانیت و قبایل، جلوگیری از قدرت‌یابی نهادهای مدنی جدید، گسترش پیوندهای حامی-پیرو میان حکومت و اعضای وابسته به نهادهای آن از بخش خصوصی، سیستم اطلاعاتی و سرکوبگر قوی و حمایت قدرت‌های خارجی از این خاندان، از جمله عوامل مؤثر در استمرار حکومت خاندان سعودی بوده‌اند. در میان عوامل فوق، پیوند وهابیت و خاندان سعودی مهم‌تر از عوامل دیگر محسوب می‌شود؛ به گونه‌ای که آموزه‌های وهابیت و بافت نظام قبیله‌ای در حفظ وضع موجود و تداوم اقتدارگرایی نیز نقش مهمی داشته است. علمای وهابیت با تحول و نوآوری به شدت مخالف بوده و بر حفظ وضع موجود سنتی و برداشت ظاهری از نص سنت و قرآن تأکید داشته‌اند (۲۵: ۱۲۷).

در ساختار توزیع قدرت در عربستان، خاندان سلطنت نخستین و مهم‌ترین گروه است. خانواده سلطنت «آل‌سعود» نام دارد ولی همین عنوان مختصر دارای انشعابات متعددی است که در این میان چهار خانواده مهم قابل شناسایی هستند (۲۰: ۱۴۴). در حقیقت این چهار خانواده با کمی شدت و ضعف، صاحبان اصلی قدرت در عربستان سعودی هستند. اصلی‌ترین خانواده آل‌سعود، آل‌فیصل است. این‌ها نوادگان عبدالعزیز، پدر بزرگ فیصل بن ترکی هستند و تعداد اعضای آن بیش از چهار هزار نفر را شامل می‌شود.

از زمان به قدرت رسیدن ملک فهد در سال ۱۹۸۲، با نفوذترین شاخه آل فیصل، آل سدیری بود (۲۲: ۸۰۴). در خاندن آل فیصل مهم‌ترین خانواده، خانواده سدیری است. دومین خاندان مهم آل سعود، آل ثنایان است. آل ثنایان بدان دلیل که از متحدان نزدیک آل سدیری هستند، از جایگاه مهمی در ساختار سیاسی عربستان برخوردارند. بر خلاف خاندان آل فیصل که قدرت سیاسی و نظامی عربستان را در اختیار دارند، آل ثنایان جزء شاخه غیر نظامی آل سعودی محسوب می‌شوند. سومین خانواده با نفوذ در خانواده آل سعود، خاندان آل جبالوی است. اینان از نسل برادر فیصل بن ترکی، پدر بزرگ عبدالعزیز هستند. چهارمین گروه سعودی، خاندان آل کبیر هستند. این گروه در قرابت نزدیک خانوادگی با سه گروه مذکور قرار دارند. بدین ترتیب که از فرزندان سعود آل کبیر، پسر عموی ملک عبدالعزیز هستند. به همین سبب، اعضای این خانواده هیچ‌گاه داعیه سلطنت و ولایت‌عهدی نداشته‌اند. محمدبن سعود از جمله شاهزادگان متعلق به خاندان آل کبیر است که بسیار مورد تکریم و اعزاز خاندان آل سعود بوده است (۵: ۱۹).

جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی دو دولت مهم، صاحب نفوذ و تأثیرگذار در منطقه استراتژیک و ژئوپلیتیک خاورمیانه هستند. وجود حجم عظیم منابع انرژی به همراه جایگاه ممتاز و بی‌نظیر آنان در جغرافیای اسلامی عموماً و منطقه خاورمیانه خصوصاً، در کنار مؤلفه‌های گوناگون دیگر سبب شده است تا سنخ روابط بین این دو کشور از اهمیت وافری برخوردار شود.

در زمان حکومت محمدرضا شاه پهلوی در ایران، ساختار حاکم بر نظام بین‌الملل و نیز دکترین نیکسون - کیسینجر که به موجب آن ایران ستون سیاسی و نظامی - امنیتی خلیج فارس بود و عربستان رکن اقتصادی و مالی منطقه را بر عهده داشت، در کنار ترس از نفوذ کمونیسم در منطقه دست به دست هم می‌دادند تا رویکرد دو کشور در قبال هم متأثر از این شرایط حتی‌الامکان مبتنی بر تعامل و پرهیز از تقابل باشد. وقوع انقلاب اسلامی ۱۹۷۹ در ایران عاملی بود تا فصل جدیدی در روابط این دو قطب شمال و جنوب خلیج فارس به منصفه ظهور برسد. از این تاریخ به بعد الگوی مناقشه و بحران دائمی در روابط این دو کشور به جز مقاطعی محدود و ناپایدار - ملهم از دو قرائت و فهم متمایز نسبت به مفهوم شریعت، مذهب و اسلام سیاسی برقرار شد (۱۶: ۱۸۰). پس از انقلاب اسلامی، ایدئولوژی سیاسی و انقلابی شیعه در برابر ایدئولوژی سنی و وهابی عربستان سعودی قرار گرفت و هر دوی آن‌ها مشروعیت یکدیگر را زیر سؤال بردند (۲۷: ۳۰۶). حمله عراق به ایران در سال ۱۹۸۰ و در پی آن حمایت‌های مالی و نظامی شورای تازه تأسیس همکاری خلیج فارس و در رأس آن عضو پر نفوذ و مؤثر آن، عربستان و نیز کشتار حجاج ایرانی در سال ۱۹۸۷ به دست مأموران حکومت عربستان در کنار برخی حوادث دیگر منجر به آن شد که مواجهه این دو کشور در دهه ۱۹۸۰ قالبی خصمانه به خود بگیرد. علی‌رغم بهبود نسبی و البته کم دوام روابط دو کشور در برخی برهه‌های پس از پایان جنگ ایران و عراق، همواره شاهد بوده‌ایم که این تقابل‌ها استمرار داشته و در بهترین حالت ممکن، از وضع مناقشه خصمانه به وضع رقابت منطقه‌ای تقلیل یافته است. آغاز بیداری اسلامی در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا، جلوه دیگری از

رویارویی‌های این دو دولت بوده و تشدید واگرایی‌ها و مناقشات را در سطوح سیاسی و دیپلماتیک به دنبال داشته است. تحولات یمن، بحرین و البته لبنان، سوریه و عراق مبین عمق تمایزات سیاسی و حاکی از افتراق‌های ایدئولوژیکی و ژئوپلیتیکی بین جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی است. ایران در صدد ایجاد تغییرات در ساختارهای موجود در منطقه از طریق حمایت‌های مادی و معنوی از جنبش‌های اسلامی و تحرکات ضد آمریکایی و ضد اسرائیلی است. عربستان سعودی هم به روش‌های گوناگون در پی بقای رژیم‌های نزدیک به خود و یا حفظ نظم مطلوب و احیاناً حذف جریان‌های مخالف است.

تحلیل موانع ژئوپلیتیکی منطقه‌ای در روابط ایران و عربستان

عمده‌ترین موانع ایجاد روابط حسنه میان ایران و عربستان در منطقه غرب آسیا، در خلیج فارس قرار دارد. نقطه اتکای عربستان دیپلماسی نفت و پیوند با غرب و ایالات متحده و نقطه اتکای ایران بهره‌گیری از گروه‌های مبارز و قدرت‌مند مورد حمایت خود بوده است (۳: ۲۳۴). اصلی‌ترین موانع ژئوپلیتیکی در ایجاد روابط حسنه بین ایران و عربستان را می‌توان به طور خلاصه در جدول (۱) مشاهده کرد. دو کشور ایران و عربستان سعودی مهم‌ترین کشورهای جنوب غرب آسیا هستند. عربستان سعودی خاستگاه جهان اسلام است و تا حدود زیادی مدعی رهبری در جهان عرب و جهان اسلام اهل سنت است. راهبران سیاسی عربستان خود را خادمین حرمین شریفین می‌دانند و با اتکا به وجود قبله مسلمانان در این کشور و وجود دلارهای نفتی در تلاش برای گسترش حوزه نفوذ خود در منطقه و جهان اسلام هستند. جمهوری اسلامی ایران با هویت شیعی، احیاگر اسلام سیاسی و ارزش‌های اسلامی و مدعی رهبری جهان اسلام است و خود را ام‌القری جهان اسلام می‌داند. این دو کشور مهم جهان اسلام از اواخر دهه ۱۹۷۰ میلادی در پی وقوع انقلاب اسلامی وارد رقابت منطقه‌ای، ژئوپلیتیکی و ایدئولوژیکی شدند که به استثنای سال‌های دهه ۱۹۹۰ که این دو قدرت منطقه‌ای کمی به یکدیگر نزدیک شدند، روز به روز بر ابعاد و پیچیدگی‌های آن افزوده شده است. تقریباً هر دو کشور نسبت به رویدادها و حوادث انقلابی، سیاسی، امنیتی و حتی اقتصادی و اجتماعی در منطقه و کشورهای پیرامونی نگاه متفاوتی داشته‌اند و این تفاوت‌ها در بسیاری موارد منجر به تنش، منازعه و چالش ژئوپلیتیکی شده است (۳۳: ۱۸۹).

جدول شماره (۱): مهم‌ترین موانع ژئوپلیتیکی برقراری روابط حسنه بین ایران و عربستان سعودی

موانع ژئوپلیتیکی	ایران	عربستان	پیامد ژئوپلیتیکی
اهداف عمده سیاست خارجی	۱. تلاش در جهت برقراری حکومت جهانی اسلام؛ ۲. نفی سلطه‌پذیری و سلطه‌جویی؛ ۳. حمایت از مستضعفین و نهضت‌های آزادی‌بخش؛ ۴. تبلیغ اسلام و دعوت به آن به ویژه مذهب تشیع.	۱. داعیه رهبری سیاسی جهان اسلام و به ویژه اعراب؛ ۲. تضاد در بطن اهداف جهانی اسلام؛ ۳. حمایت از مستضعفین و نهضت‌های آزادی‌بخش؛ ۴. تبلیغ وهابیت و دعوت به آن؛ ۵. جلوگیری از انتشار و گسترش انقلاب اسلامی و حفظ وضع موجود در خارجی ایران و عربستان به خوبی قابل مشاهده است.	
اسلام	ام‌القرای و مرکز جهان اسلام	مهد اسلام و پاسدار اماکن مقدس اسلامی/ سنی (وهابی)	پس از انقلاب، ایدئولوژی سیاسی و انقلابی شیعه در مقابل ایدئولوژی سنی وهابی قرار گرفته است.
ساختار سیاسی	جمهوری اسلامی، انقلابی و خواهان تغییر وضع موجود	پادشاهی، محافظه‌کار و طالب حفظ وضع موجود	ساختار سیاسی و حکومت دو کشور از جمله عوامل واگرایی طرفیت می‌باشد.
امنیت منطقه	تأمین امنیت منطقه با همکاری کشورهای منطقه و بدون دخالت و حضور بیگانگان	محوریت خلیج فارس در امنیت این کشور و تأمین امنیت کشورهای منطقه و بدون دخالت و خود از طریق پیوند نظامی با آمریکا	تقابل دو نگاه به غرب؛ ایران آن را امنیت‌زدا و عربستان آن را امنیت‌زا می‌داند.
شورای همکاری خلیج فارس	ایران سیاست‌های شورا را همسو با غرب و در تقابل با خود می‌داند.	هماهنگی عربستان و سایر اعضا در سیاست‌های ضد ایرانی	با تأسیس شورای همکاری خلیج فارس نفوذ عربستان بر این کشورها افزایش یافت.
اوپک و سیاست‌های نفتی	تلاش برای افزایش بهای نفت و کنترل تولید	تلاش برای کاهش بهای نفت و افزایش تولید	منابع مختلف از تعهد عربستان به تأمین نفت در صورت تحریم و یا حمله به ایران خبر داده‌اند.
سازمان همکاری اسلامی	تلاش برای رهبری و افزایش نفوذ ایران	تلاش برای رهبری و افزایش نفوذ عربستان	این سازمان در برخی برهه‌ها زمینه‌ساز نزدیکی میان دو کشور بوده است.
مسأله حج	انتقاد از نحوه برخورد با حجاج ایرانی در ادوار مختلف/ تأکید بر حج به عنوان آیین مذهبی- سیاسی و برگزاری مراسم برائت از مشرکین	حج آیین مذهبی است و مخالفت با برگزاری ساسی- عبادی حج/ درخواست عربستان از ایران برای عدم استفاده از حج بلند مدت تنش و در عین حال می‌تواند عاملی برای روابط حسنه طرفین باشد.	قطع روابط در سال ۱۳۶۶ در پی کشتار حجاج ایرانی/ مسأله حج یک منبع بلند مدت تنش و در عین حال می‌تواند عاملی برای روابط حسنه طرفین باشد.
روند صلح اعراب و اسرائیل	مخالف روند سازش و شرکت اعراب در کنفرانس‌های صلح/ ایران حامی حماس و منتقد تشکیلات خودگردان	عربستان در پی تحقق صلح و شناسایی اسرائیل است/ عربستان حامی تشکیلات خودگردان و منتقد حماس است/ حمایت از پیمان ابراهیم	عربستان به واسطه شرکت در کنفرانس‌های صلح/ ایران حامی حماس و منتقد تشکیلات خودگردان حمایت از پیمان ابراهیم
			تهاجم اسرائیل به جنوب لبنان با انتقاد تند ایران روبرو شد.
			عربستان در ابتدا خواهان مذاکره و دیپلماسی و نه توسل به زور و اعمال تحریم بود. اما در ادامه به نگرانی از برنامه ۲۰۱۰ با توجه به ناکارآمدی تحریم- زور و اعمال تحریم بود.

پرونده هسته‌ای ایران	برنامه هسته‌ای ایران صلح‌آمیز و فاقد تهدید برای همسایگان است.	هسته‌ای ایران و همسویی با غرب پرداخت.	ها، خواستار راه‌حلی فوری برای مقابله با برنامه‌های اتمی ایران شد و حتی بر اساس اسناد ویکی‌لیکس خواهان حمله آمریکا به ایران بود.
عراق	محکومت حمایت اعراب و عربستان از عراق در جنگ/ تلاش برای افزایش نفوذ و نزدیکی بیشتر با عراق پس از صدام/ خواهان خروج آمریکا از عراق.	حمایت از صدام در جنگ تحمیلی/ تلاش برای تقویت جایگاه سنی‌ها پس از سقوط صدام/ اعلام مداخله گسترده برای حمایت از سنی‌های عراق در صورت خروج آمریکا	
لبنان	ارتقا نقش ایران در لبنان با حمایت از شیعیان و حزب‌الله	حفظ و توسعه نفوذ عربستان از طریق حمایت از جریان رقیب حزب‌الله	
بحرین	حمایت از خواسته‌های شیعیان به عنوان اکثریت مردم بحرین	ممانعت از چالش حاکمیت بحرین و قدرت‌یابی شیعیان	بحران اخیر بحرین روابط دو کشور را به بالاترین میزان تنش رساند. پادشاه عربستان در این باره گفته بود:
شیعیان	حمایت از اجتماع‌ها و گروه‌های شیعه چه اکثریت و یا اقلیت در منطقه	مقابله با قدرت‌یابی و افزایش نفوذ شیعیان در منطقه	تلاش برای تغییر مذهب مسلمانان سنی به شیعه شکست خواهد خورد و سنی‌ها کماکان اکثریت جهان اسلام را تشکیل خواهند داد.
تروریسم	اتهام منافع داخلی به عربستان در خصوص حمایت از گروه‌های تروریستی، جندالله و الاحوازیه	اتهام آمریکا و برخی منافع عربستانی به ایران در خصوص انفجار طهران و حملات پهبادی و موشکی	در یکی از نمونه‌ها، با تلاش عربستان، مجمع عمومی سازمان ملل قطعنامه‌ای درباره ادعای ترور سفیر عربستان صادر کرد.
سوریه	متحد ایران/ حمایت ایران از بشار اسد به عنوان عضو جبهه مقاومت علیه اسرائیل	تلاش برای کشاندن سوریه به جمع اعراب میانه‌رو/ حمایت سیاسی و نظامی از مخالفان بشار اسد	
یمن	حمایت ایران از شیعیان حوثی یمن. حمایت سیاسی و نظامی از حوثی‌ها	عربستان ایران را متهم به تأسیس جریانی شبیه به حزب‌الله در یمن کرده است/ حمایت عربستان از حکومت عبدالله صالح در بحرین یمن و حمله ائتلاف به رهبری عربستان به یمن و محاصره این کشور	حمایت عربستان از عبدالله صالح در جریان درگیری با شبه نظامیان حوثی و نیز اعتراض‌های اخیر این کشور با انتقاد ایران همراه شده بود.

نتیجه‌گیری و بحث

هدف تحقیق حاضر، تحلیل جامعه‌شناختی موانع ژئوپلیتیکی - به عنوان مانع ایجاد روابط پایدار و با ثبات میان جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی بود. از لحاظ تاریخی باید گفت، بحران‌های امنیتی در سال‌های پس از جنگ سرد بر اساس نشانه‌های هویتی و ژئوپلیتیکی شکل گرفته است. خاورمیانه در زمره مناطقی است که مشتمل بر تضاد ترکیبی کشورهای مختلفی است. تضاد امنیتی در خاورمیانه پس از جنگ سرد با نشانه‌هایی از رویارویی هویتی روبرو بوده و با نگرش ژئوپلیتیکی کشورهای منطقه‌ای پیوند یافته است. ایران و عربستان را باید در زمره کشورهایی دانست که در چنین فرایندی به ایفای نقش راهبردی و امنیتی مبادرت می‌کنند. روابط امنیتی، اقتصادی، تجاری و فرهنگی - اجتماعی ایران و عربستان به شدت متأثر از سیاست خارجی دو کشور و دخالت‌های قدرت مداخله‌گرا می‌باشد. به نظر می‌رسد از سال ۱۹۷۹ تاکنون دو کشور از مرحله اعتمادسازی خارج نشده و هنوز تفاهم مشترکی بین آن‌ها در قبال مسائل حساس خاورمیانه و جنوب غرب آسیا به وجود نیامده است. بسیاری از تضادهای ایران و عربستان را می‌توان در قالب نشانه‌های هویتی و ژئوپلیتیکی مشاهده کرد. عربستان سعودی از ساز و کارهای ژئوپلیتیکی برای گسترش تضادهای امنیتی در خاورمیانه و جنوب غرب آسیا بهره گرفته است. الگوی رفتاری عربستان در برخورد با ایران در مناطقی مانند لبنان، افغانستان، سوریه، یمن و عراق را باید زیربنای تفکر وهابی عربستان دانست و ترکیب آن با وهابیت زمینه شکل‌گیری اندیشه‌های تکفیری را به وجود آورده است. اندیشه تکفیری عربستان زیربنای مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی برای گسترش بحران‌های امنیتی و رادیکال‌شدن تحولات سیاسی در جنوب غرب آسیا است. عربستان سعودی به جمهوری اسلامی ایران به عنوان مهم‌ترین رقیب منطقه‌ای خود همواره نگاه ویژه‌ای داشته است. به همین دلیل، فضای رقابتی و بحران‌های ژئوپلیتیکی ایجاد شده، این کشور را به سوی تلاش برای بازدارندگی در مقابل توسعه نفوذ منطقه‌ای ایران سوق داده است. نبود یک سیستم امنیت دسته جمعی در خاورمیانه باعث شده است سیستم سنتی موازنه قوا برای تأمین امنیت این منطقه مدنظر بازیگران مطرح آن قرار بگیرد. لذا همه دولت‌ها به دنبال افزایش قدرت خود به گونه‌ای هستند تا با برتری بر رقیب از لحاظ مادی و معنوی، ضمن تأمین امنیت خود نقش برتر در مسائل منطقه‌ای ایفا کنند و به پرستیژ قدرت بپردازند. ایران و عربستان به عنوان دو کشور مطرح خاورمیانه به خصوص بعد از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ و نیز سقوط صدام حسین، در تلاش بوده‌اند تا به نقش‌آفرینی در منطقه جنوب غرب آسیا بپردازند و از این طریق با کسب موقعیت‌های ایدئولوژیک و استراتژیک و استراتژیک برتر در جنوب غرب آسیا امنیت و جایگاه آینده خود را تضمین کنند. با این اقدامات دو کشور وارد نوعی بازی ژئوپلیتیکی تقابلی شده‌اند که حوزه‌های فعال آن همان طور که اشاره شد سوریه، یمن و عراق هستند، ضمن این که رقابت‌های این دو کشور در مناطق اشغالی فلسطین هم چنان پابرجاست. در سوریه، عراق و یمن، گروه‌هایی که بخشی از القاعده محسوب می‌شوند تلاش دارند تا روند جنگ کم شدت علیه ایران را سازمان‌دهی کنند. جنگ کم شدت نمادی از

راهبرد امنیتی عربستان علیه ایران است که مبتنی بر پیوند مؤلفه‌های ایدئولوژیک، هویتی و راهبردی است. این نوع سیاست‌گذاری نشانه‌هایی از تشدید و تقویت بحران ژئوپلیتیکی، گسترش خشونت و نیز پراکنش تروریسم در حوزه‌های مختلف جغرافیایی را به وجود آورده است که به عنوان موانع ژئوپلیتیکی مانع از روابط حسنه بین ایران و عربستان سعودی شده است و تا رفع این موانع ژئوپلیتیکی نمی‌توان انتظار روابط پایداری بین ایران و عربستان داشت.

تعارض منافع

«بنا بر اظهار نویسندگان مقاله حاضر فاقد هر گونه تعارض منافع بوده است.»

منابع

1. Adami, A; Mousavi, S; Tilabi, H. (2012). Revolutionary developments in Bahrain and religious and geopolitical conflicts between Iran and Saudi Arabia, International Political Research Quarterly, Shahreza Islamic Azad University, No.10, spring.
2. Aghaei, S; Ahmadian, H. (2010). Islamic Republic of Iran and Saudi Arabia relations: Fundamental Challenges and Future Possibilities, Politics Quarterly, Journal of the School of Law and Political Science, Vol. 40, No. 3.
3. Azghandi, A; Agha Alikhani, M. (2015). Investigating the regional factors of divergence in Iran-Saudi relations, Policy Quarterly, Vol. 43, No. 2, summer.
4. Bayat, J; Eslami, M. (2018). Iran - Saudi Arabia; De-escalation model design focusing on regional conflicts, Quarterly Journal of Strategic Public Policy Studies, Vol. 8, No. 28, Fall.
5. Cordesman, Anthony. (2015). The True Nature of the Saudi Succession Crisis, Washington, DC: Center for Strategic International Studies.
6. Dades, Klaus. (2004). Geopolitics in a Changing World, translated by Zahra Ahmadipour and Attaullah Abdi, Tehran, Balag Danesh Publishing House.
7. Davand, M; Soltaninejad, A. (2018). Securing the cyber tension between the Islamic Republic of Iran and Saudi Arabia; Strategic threats and requirements, 27th year strategy, No. 86, P.p: 79-98.
8. Eslami, M; Jamshidi, M; Davand, M. (2017). Obstacles of expanding the cultural strategies of the Islamic Republic of Iran in the geo-culture of the Islamic world (case study: Saudi Arabia), Geography Quarterly, New Period, 15 (55), Winter.
9. Firahi, D. (2013). Political System and Government in Islam, Tehran, SAMT Publications.
10. Hafeznia, M; Ahmadipour, Z; Bouyeh, Ch. (2012). Islamic Revolution and the emergence of new geopolitics of Iran, Research Journal of Islamic Revolution, second year, No. 5, winter.
11. Jahner, Ariel. (2012). Saudi Arabia and Iran: The Struggle for Power and Influence in the Gulf, Journal of International Affairs Review, Vol. 2, No. 3.
12. Karamian Habili, K; Alborzi, H. (2015). Media war: the challenge of the model of political Islam based on Iranian Shiism and the model based on Saudi Wahhabism in Bahrain, Journal of Political and International Research, Vol. 7, No. 24, P.p: 189-214.
13. Kavani-rad, M; Boyeh, Ch. (2012). The position of the concept of critical space in the formation of Iraq's foreign policy, Geopolitics Quarterly, No. 25, 8 (1).
14. Khajeh Sarvari G; Yaqoubnia, H. (2013). Analyzing the role of Iran's Islamic Revolution in the reorganization of the Islamic awakening of Saudi Arabia, Journal: Al-Stratej, Vol. 22, No. 67, P.p: 117-137.
15. Khatami, S; Shakibaei, A. (2017). Analysis of evolutionary game theory of Iran and Saudi Arabia in the framework of genetic algorithm, economic modeling, 11 (2) 38, P.p: 29-55.
16. Khezari, S; Parhizkar. (2015). The roots of Iran-Saudi conflicts, investigating the nature of the regional conflict between Iran and Saudi Arabia, Political and International Research Quarterly, Islamic Azad University, Shahreza Branch, No. 23, summer.
17. Khezri, E; Safavi, S; Parhishkar, A. (2015). The roots of Iran-Saudi conflicts, International Political Research Quarterly of Shahreza Islamic Azad University, No. 23, summer.

18. Larijani, M. (1996). Islamic Government and Political Borders, *Islamic Government Quarterly*, No. 2, Winter.
19. Malek Mohammadi, H; Madani, M. (2013). The culture governing the interactions between Iran and Saudi Arabia from the perspective of structural-ideological analysis, *Politics Quarterly*, Vol. 43, No. 4, winter.
20. Massoudnia, H; Forozan, Y; Alishahi, A. (2017). Shifting power in Saudi Arabia: The effects of the change of succession on the foreign policy structure of Saudi Arabia, *International Political Approaches*, 8 (1), Fall.
21. Mousavi, SM; Bakhshi Tilabi, R. (2012). The influence of ideological issues on the foreign policy of Saudi Arabia towards Iran from 2003 onwards, *Political and International Research Quarterly*, No. 11.
22. Naderi, A. (2009). Sociological study of the political system of Saudi Arabia, *Foreign Policy Quarterly*, No. 89.
23. Naderinasab, P. (2010). Challenges of relations between the Islamic Republic of Iran and Saudi Arabia in the region, *Policy Quarterly*, Vol. 40, No. 1, Spring.
24. Report of October. (2001). Ben Laden family under the protection of the Al Saud family, political-social report, No. 127.
25. Rezvanifar, E. (2013). Saudi political-social challenges in the light of Islamic awakening, *Regional Research Quarterly*, No. 9.
26. Sadeghi, H; Naqdi Ishratabad, J; Mirkoshesh, A. (2015). Analysis of Iran-Saudi Arabia relations from the perspective of motivational realism theory, *International Political Research Quarterly of Shahreza Azad University*, No. 25, winter.
27. Sareal Qalam, M. (2000). Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran; A theoretical review and the coalition paradigm, Center for Strategic Research.
28. Seifi, A; Pourhasan, N. (2016) Saudi Arabia's comprehensive balance and coalition building towards the Islamic Republic of Iran, *International Political Research Quarterly*, Shahreza, No. 26.
29. Shafiei, N; Ghanbari, F. (2016). Explaining the relations between Iran and Saudi Arabia in the conceptual framework of the Cold War, *Political and International Research Quarterly*, Vol. 9, 31 (31), P.p: 117-140.
30. Shahramnia, S; Vesi, S. (2015). Study of the regional confrontations of the Islamic Republic of Iran, Saudi Arabia in Syria within the framework of the integrated approach of constructivism-realism, *Political Studies Quarterly*, 8 (29), Fall.
31. Shiroudi, M. (2004). The Islamic Revolution of Iran and the Movements of the Islamic World, Tehran, Rawaq-e Andisheh, No. 30.
32. Shormij M. (2017). The effect of the Islamic revolution on the relations between Saudi Arabia and Iran in the first decade of the Islamic Republic, *Islamic Revolution Studies Quarterly*, 14 (50), Fall.
33. Veisi, H. (2019). Analysis of Saudi Arabia's geopolitical challenges with the Islamic Republic of Iran and its influence on the Southwest Asia region, *Geography and Development*, No. 55, Summer.
34. Zarei, B. (2010). Analysis of the theory of nation in the realm of political geography of Islam, *Politics Quarterly*, Faculty of Law and Political Sciences, Fall, Vol. 41, No. 3.